

## بیانی جالب از ابوعلی سینا

نظام شکفتا نکیز آفرینش ما را بوجود آفریدگار رهبری می‌نماید ، همچنین اینکه هر موجودی در آن با تجهیزات کافی که آن را بمرحله کمال برساند ، آفریده شده ما را بلزوم بعثت پیامبران هدایت می‌کند .

**توضیح اینکه :** هر پدیده‌ای در این جهان برای هدف آفریده شده که برای آن کمال ، و به اصطلاح علت غایی شمرده می‌شود و سازمان آفرینش برای رسانیدن هر موجودی بکمال مطلوب خود هر نوع وسائل لازم را که در تکامل آن مؤثر است در اختیار آن نهاده است ، حتی در این راه به وسائل ضروری اکتفا نموده و مسائل جزئی و غیر ضروری را نیز در اختیار آن گذارده است تا به راحتی بتواند بسیر تکاملی خود ادامه دهد.

در این باره علوم طبیعی با آن وسعت و دامنه شکفت آوری که پیدا کرده‌اند ما را از هر نوع مثال و توضیح بی‌نیاز می‌سازند .

تنها بررسی دستگاههای مختلف بدن انسان برای ما بهترین گواه می‌باشد ، انسان در زندگی مادی خود از یک سلسله مسائل ضروری ، که حیات و زندگی او به آن بستگی دارد برخوردار است .

از میان دهها دستگاه که در بدن انسان بکار برده شده است و هر کدام در حیات و زندگی وی نقش مؤثری را ایفا می‌کنند ، تنها دستگاه بینائی را مورد بررسی قرار می‌دهیم :

دستگاه بینائی برای حفاظت انسان و عکسبرداری از مناظر طبیعت آفریده شده و با انواع پرده‌ها و آبها و وسائل مختلف لازم ، مجهز گردیده

است و برای تحقق این هدف ، (بینائی) در آفرینش چشم امور زیر مراعات شده است:

۱- دست آفرینش چشم را در بالای سرقزاده که بهمه جوانب و پیش آمدها مسلط باشد و آنرا دريك حفره استخوانی آفریده تا از حوادث محفوظ بماند .

۲- بالای چشم ، ابرو قرار داده تا از ورود عرق به چشم جلوگیری کند ، و در پیشانی هر شخصی خطوطی را آفریده تا از سرازیری آب بسوی چشم ممانعت نموده و عرق پیشانی را بسمت راست و چپ پیشانی جاری سازد .

۳- جلوچشم را بوسیله دوپلك محافظت نموده ، و برای جلوگیری از ورود دود و گرد بداخل ، در اطراف دوپلك ، مژه‌هایی رویانیده است .

۴- در داخل پلك چشم غدد مترشحه‌ای مانند غدد زیر زبان قرار داده تا بوسیله ترشحات آن نسوج مرتبط چشم را همیشه مرطوب نگاه دارد .

۵- برای اینکه این دستگاه بظاهر كوچك ، بتواند در يك لحظه از دور و نزدیک عکسبرداری کند عدسی آنرا طوری آفریده که کار هزاران عدسی را برای عکسبرداری از فواصل مختلف انجام دهد .

۶- مردمک چشم را آنچنان حساس و دقیق آفریده که در برابر نورهای قوی تنك ، و در برابر نور ضعیف ، وسیع و گشاد می‌شود و این کار برای این است که نور به اندازه متناسب (نه زیاد و نه کم) وارد دستگاه شود و به دوشبکه آسیبی نرساند .

۷- طبقات چشم را درمیان يك جسم سفید و صلب که دارای الیاف خاصی است قرار داده تا بسان دژ استواری طبقات چشم را درمیان حفره نگاهداری نمایند .

۸- طبقات « صلیبه » و « مشیمیه » را به رگهائی پیوند داده تا خون را بطبقات چشم برساند .

این عنایت حاکی از آنست که آفریننده چشم ، از نیازمندیهای دستگاه بینائی کاملاً آگاه بوده و بدون مضایقه همه را در اختیارش نهاده است .

### مثال دیگر:

دست آفرینش در کف پای انسانها گودی و فرو رفتگی خاصی آفریده است ، تا ایستادن و راه رفتن برای او آسان باشد حتی کسانی که پای آنها بطور مادرزاد ، برخلاف معمول صاف باشد ناچارند از راه جراحی ، گودی خاصی در کف پای خود بوجود آورند . انگشتان ما از نظر طول و ضخامت با یکدیگر فرق روشن دارد ، زیرا اگر همه آنها یکسان بود ندکارهای گوناگونی که الان بوسیله آنها انجام می‌دهیم صورت نمی‌گرفت ،

واژه‌مین جا است که بشر خلاق هنر، و پدیده آرنده صنایع ظریف و زیبا گردیده است .  
 در کف دست و سرانگشتان ، خطوطی وجود دارد که برای برداشتن اشیاء کمک  
 بسزائی می‌کنند و از آنجا که خطوط انگشت و کف دست هر فردی ، بشکل خاصی است در  
 انگشت نگاری از این خطوط استفاده نموده و معرف شخص می‌گردند .  
 از بررسی این مثالها چنین نتیجه می‌گیریم که دستگاه آفرینش هر نوع وسیله‌ای اعم  
 از ضروری و غیر ضروری که در تکامل انسان مؤثر است ، در اختیار او نهاده و در این راه فرو-  
 گذار ننموده است .

شما می‌توانید با استفاده از علوم طبیعی درباره هریک از جانداران و گیاهان ، این  
 بررسی را انجام داده و نیز نتیجه بگیرید که دست آفرینش لوازم پیشرفت هر موجودی را  
 برای هدفی که آفریده در اختیار وی نهاده است ، و هیچ موجودی نسبت به لوازم تکامل خود  
 نقص و لنگی ندارد .

بنابراین میتوان لزوم بهشت پیامبران را از این بررسی استفاده نمود زیرا خداوندی  
 که تا این حد خواهان تکامل انسان می‌باشد ، چگونه ممکن است تکامل معنوی و روحی  
 او را نادیده بگیرد و جامعه بشری را از پیامبرانی که در تکامل نوع بشر نقش مؤثری  
 دارند ، محروم نماید ؟

آیا اثر وجودی پیامبران با اندازه اثر خطوط پیشانی و سرانگشتان و کف دست و  
 گودی پا و ابرو و بالای چشم نیست ؟  
 در این صورت چگونه می‌توان گفت که آفریدگار جهان همه نوع وسائل تکامل جسمی  
 انسان را در اختیار وی نهاده است ولی او را از وسائل معنوی که در تکامل روحی او نقش  
 مؤثری دارند محروم ساخته است ؟

این بیان اگرچه يك بیان مستقل و جداگانه است و اساس آنرا مقایسه وسایل پیشرفت  
 معنوی با وسائل تکامل جسمی تشکیل میدهد ولی در عین حال قاعده «لطف» نیز که تکیه-  
 گاه بسیاری از دانشمندان عقائد است آنرا تأیید می‌کند (۱)

### بیانی از ابوعلی سینا

نخستین کسی که مسئله لزوم پیامبران را از این راه که در این بیان ملاحظه می‌فرمایید تعقیب

۱- قاعده لطف بطور اجمال درست است ولی بیان حدود و شرایط آن از موضوع

بحث خارج می‌باشد.

نموده است ، فیلسوف شرق شیخ‌الرئیس بوعلی‌سینا استوی در کتاب شفا (قسمت‌الهیات) (۲) با عبارات کوتاهی باین برهان چنین اشاره می‌فرماید (۳)

« نیاز بشر بسه بعثت پیامبر در حفظ نوع خود و تحصیل کمالات وجودی از روئیدن موی مژه‌ها و از گودی کف پا و یا چیزهای دیگری که در بقای زندگی او ضروری نیست قطعاً بیشتر است در این صورت چگونگی ممکن است عنایات الهی ایجاب کند که این وسائل غیر ضروری را در اختیار او بگذارد ولی بعثت پیامبران را که برای او يك امر حیاتی است نادیده بگیرد (۴)

در اینجا بحث درباره لزوم بعثت پیامبران پایان می‌پذیرد و ما فکر می‌کنیم که هر - يك این دلایل سه‌گانه برای اثبات مدعا کافی باشد و دیگر نیازی به تشریح دلائل دیگری که از جانب دانشمندان عقائد گفته شده است ، نداشته باشیم بحث آینده ما درباره : ( طرق شناسائی پیامبران ) می‌باشد .

۲- متأسفانه الهیات شفا که در ایران چاپ شده است فاقد شماره صفحات است .

خوانندگان می‌توانند به بحث نبوت ۱۲ صفحه با آخر کتاب مانده مراجعه فرمایند

۳- فالحاجة الى هذا في ان يبقى نوع الانسان ويتحصل وجوده ، اشد من الحاجة الى انبات الشعر على الاشعار وعلى الحاجبين وتمعير الاخمص من القدمين و اشياء آخر من المنافع التي لا ضرورة فيها في البقاء بل اكثرها انها ينفع في البقاء فلا يجوز ان يكون الغاية الازلية تقتضى تلك المنافع ولا تقتضى هذه .

۴- پس از شیخ‌الرئیس مرحوم صدر المتألهین در کتاب ( المبدء و المعاد ) ص ۱۰۳

چاپ تهران باین دلیل تمسک جسته و می‌فرماید : لان ذاته منبع الخيرات و منشأ الكمالات فيصدر منه كل ما يصدر على اقصى ما يتصور في حقه من الخير والكمال والزينة و الجمال سواء كان ضرور ياله كوجود العقل للانسان والنبي للامة وغير ضروري كانبات الشعر على الاشعار والحاجبين وتمعير الاخمص على القدمين .

یعنی « ذات پروردگار منبع همه نوع خیر و سرچشمه کمالات است بالاترین مرحله از کمال و زیبایی که درباره او قابل تصور است ، از او صادر می‌شود خواه وجود آن ضروری باشد مانند عقل برای فرد ، و پیامبر برای اجتماع ، یا ضروری نباشد مانند روئیدن مژه‌ها و ابروان و گودی کف پا . »